



پاسخ به شبهه ای درباره قیام حضرت مهدی (عج) در قرآن / نخستین سخنی که حضرت پس از قیام خود می گوید

آیت الله جعفر سبحانی، مرجع تقلید شیعیان به شبهه ای درباره قیام حضرت مهدی پاسخ داده است.

آیت الله جعفر سبحانی، مرجع تقلید شیعیان به شبهه ای درباره قیام حضرت مهدی پاسخ داده است.

عده ای این سوال را مطرح می کنند که آیه «و نريد أن نمُن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين«؛ چه ارتباطی به قیام حضرت مهدی دارد؟

به گزارش خبرآنلاین، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سبحانی، پاسخ این مرجع تقلید به سوال فوق را چنین بیان کرده است: 1. آیه «و نريد أن نمُن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثين«؛ اراده ما بر این است که بر ستم‌دیدگان نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

بررسی آیه با ملاحظه ماقبل و مابعد آن، این مسأله را قطعی می سازد که قرآن هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی، مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید، بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت هاست و می فرماید: ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان منت بگذاریم و آنان را وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم. این بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور. شاهد این مطلب آیه دیگر است: (و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الأرض يرثها عبادي الصالحون). (2)

«در "زبور"، پس از "تورات" نوشتیم که زمین در آینده از آن بندگان صالح است«.

یکی از این نمونه ها حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود.

نمونه کاملترش حکومت پیامبر اسلام و یارانش بعد از ظهور اسلام بود که سرانجام خدا به دست همین گروه دروازه قصرهای کسری ها و قیصرها را گشود، و آنان را از تخت قدرت به زیر آورد، و بینی مستکبران را به خاک مالید.

و نمونه گسترده تر، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله مهدی ارواحنا له الفداء است. بنابراین، اگر با این آیه بر ظهور حضرت مهدی استدلال می کنند در حقیقت نوعی استدلال با ضابطه کلی بر مصداق و مورد است.

مفسران معتقدند که آیات قرآن اگر در موردی نازل شد، اختصاص به آن مورد ندارد بلکه در طول زمان، برای خود مصداق پیدا می کند.

و لذا از امیرمؤمنان(علیه السلام) روایت شده است که در تفسیر آیه فرمود:

«هم آل محمد یبعث الله مهديهم بعد جهدهم فيعزهم ويذلّ عدوهم«.

«این گروه آل محمد هستند. خداوند مهدی آنها را پس از زحمت و فشاری که بر آنها وارد می شود، برمی انگیزد و به آنها عزت می بخشد. دشمنانشان را ذلیل و خوار می سازد«.

در حدیثی از امام چهارم، چنین وارد شده است:

والذي بعث محمداً بالحق بشيراً ونذيراً إنّ الأبرار متا أهل البيت وشيعتهم بمنزلة موسى وشيعته، وإن عدونا وأشياعهم بمنزلة فرعون وأشياعه« (4).

«سوگند به کسی که محمد را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان ما اهل بیت و پیروان ما، به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان اویند(سرانجام ما پیروز می شویم و آنها نابود می شوند و حکومت حق و عدالت، از آن ما خواهد بود«.

2. آیه بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين و ما أنا عليكم بحفيظ). (5)؛ آنچه خدا برای شما بر جای نهاده برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید و من پاسدار شما و اجبار کننده شما نیستم«.

حضرت شعیب در این آیه گوشزد می کند که کم فروشی نکنند و در معاملات به مردم ظلم و ستم روا ندارند. سرانجام یادآور می شود («بقية الله«)؛ یعنی سود حلال و اندک که برابر با شرع الهی است برای شما بهتر است).

و در آیه دیگر می فرماید:

(و الباقيات الصالحات خير عند ربك ثواباً و خيراً أماً). (6)

«چیزهای خوب و ماندگار در نزد خدا از نظر پاداش و آرزو بهتر است«.

آیه یک ضابطه کلی را بیان می کند که یکی از مصادیق آن، همان است که در مورد قوم شعیب آمده(سود اندک و معامله پاک).

این ضابطه در طول تاریخ، مصادیقی دارد. انبیا و اولیا از مصادیق بقية الله هستند و یکی از مصادیق آن حضرت مهدی(علیه السلام)

است که امام باقر(علیه السلام) در مورد او می فرماید:
«أول ما ينطق القائم (عليه السلام) حين يخرج هذه الآية: (بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين) ، ثم يقول: أنا بقية الله وحجته وخليفته عليكم فلا يسلم عليه مسلم إلا قال: السلام عليك يا بقية الله في أرضه«.

نخستین سخنی که مهدی(علیه السلام) پس از قیام خود می گوید
«نخستین سخنی که مهدی(علیه السلام) پس از قیام خود می گوید این آیه است: (بقية الله خير لكم إن كنتم مؤمنين) ، سپس می گوید: منم بقية الله وحجت و خليفه او در میان شما، سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند، مگر این که می گوید: السلام عليك يا بقية الله في أرضه«.

درست است که در آیه مورد بحث، منظور از «بقية الله«؛ سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد «بقية الله«؛ حساب می شود. تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ «بقية الله«؛ هستند. تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت، باقی می مانند از این نظر، بقية الله هستند.

همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ، باز می گردند، آنها نیز بقية الله هستند. از آنجا که مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) است، یکی از روشن ترین مصادیق «بقية الله«؛ می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است. به ویژه که تنها باقی مانده پس از پیامبران و امامان است.

پی نوشت ها:

1. قصص / 5.
2. انبیاء / 105.
3. غیبت شیخ طوسی، به نقل از نورالثقلین، ج4، ص 11.
4. مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.
5. هود / 86.
6. کهف / 46.
7. به نقل از تفسیر صافی، ذیل آیه فوق.